

خراپات

بیچارهٔ عشقم، بیچاره‌ترم کن



جواد طوسی

● نام «اصغر بیچاره» با سینمای ایران گره خورده است. این قدیمی‌ترین عکاس سینمای ما از همان سنین نوجوانی به‌عنوان کارگر ساده در یک عکاسی مشغول شد. امیر نادری هم بعد از آمدن از آبادان به تهران، همین وضعیت اصغر بیچاره را در دوران نوجوانی‌اش داشت که فیلم‌نامه «تجربه» به کارگردانی عباس کیارستمی، شرح‌حال «امیرو»ی جنوبی از این دوره است. عشق فیلم و سینما آن‌قدر در اصغر بیچاره به صورت غریزی ریشه می‌دواند که او در معروف‌ترین خیابان تهران در آن روزگار، یعنی لاله‌زار، مغازه‌ای باز می‌کند و رفته‌رفته آنجا پاتوق اهالی سینما و تئاتر و موسیقی و نویسندگان معروف می‌شود. او با آنکه از سال ۱۳۲۳ به طور حرفه‌ای به عکاسی فیلم می‌پردازد، ولی خودش را محدود به این رشته نمی‌کند. مثلاً دوستی بیچاره با مرتضی خاتنه باعث همکاری‌اش با گروه دوبله‌ای که خاتنه و حسین سرشار راه انداخته بودند می‌شود. علاوه‌براینها او چه در فیلم‌هایی که عکاسی‌اش را برعهده داشت و چه فیلم‌های دیگر، در نقش‌های فرعی و مکمل ظاهر می‌شده که «فرار از تله»، جلال مقدم، «قلندر»، علی حاتمی و «ناخدا خورشید» ناصر تقوایی چند نمونه‌اش هستند. تجربیات بیچاره در امور فنی و دستیار فیلم‌برداری، باعث شد که او در عکاسی نگاهی حرفه‌ای به کارش از نظر کادربندی، شکار لحظه‌ها و نحوه ثبت رخدادهای مرتبط با خطوط اصلی قصه و روایت داشته باشد. درواقع، نگاه بیچاره به عکس در یک اثر سینمایی جدی این بود که چقدر این مجموعه در پشت‌وپشتین سینماها می‌تواند در جهت معرفی درست و قاعده‌مند فیلم و جذب تماشاگر و ایجاد حس کنجکاوی در او مؤثر باشد. عکس‌هایی که او برای فیلم‌های «فرار از تله» و «ناخدا خورشید» گرفته، دو نمونه درخشان از این جهات هستند. مثلاً با دیدن دوبیدن مرتضی و کریم (بهروز وثوقی و داوود رشیدی) از میان شعله‌های آتش مزارع بیشکتر هفت‌تبه یا تعقیب‌وگریز آنها از پله‌های سنتی و قدیمی دزفول و پخش‌کردن اسکناس‌ها در فصل انتهایی از سوی صدقهرمان فیلم «فرار از تله» (مرتضی) در ایستگاه راه‌آهن با آن چهره خندان در کنار محبوبش در شرایطی که کریم در پس‌زمینه او را نظاره و از این کارش ابراز رضایت می‌کند، کاملاً می‌توان در مقام بیننده در موقعیت واقعی رخدادها و شخصیت‌های درگیر ماجرا قرار گرفت. با توجه کنیم به آن عکس‌های خوش‌استایل «ناخدا خورشید» که نگاه معتبر و عدالت‌خواه ناخدا و ورود «مستر فرهان» به بندر و پرسه‌زدن‌های بعدی‌اش در قسمت‌های مختلف بندر و قتل «خواجه ماجده» و سرنگون‌شدنش در آن سردرآبه قدیمی را چقدر خوب و تأثیرگذار ثبت کرده است. این ظرفیت‌ها و ذوق سرشار، نشان از درک هنرمندانه یک عکاس حسی و غریزی دارد. همین شورشوق زمینه‌ساز انتشار سه جلد کتاب درباره عکاسی و تاریخ سینمای ایران و ساخت یک فیلم مستند به نام «سند زنده» در سال ۱۳۵۹ از سوی اصغر بیچاره می‌شود.

او تا همین سه، چهارسال قبل، در تهران و سرزمینش در میان مردم و اهل هنری که دوستانش داشتند زندگی می‌کرد و همواره آجاره‌نشین و خانه‌به‌دوش بود. سرمایه و اثاثیه اصلی اصغر بیچاره تعدادی دوربین و انبوهی عکس و وسایل مرتبط با علائق و رشته کاری‌اش بود. روحیه کاری و درویش‌مسلك اصغر بیچاره زبانه‌زد همکاری‌اش و اهالی سینما بود. خودش شهرت «بیچاره» را برانده این خاکسپاری می‌دانست ولی بنا بر اصرار و توصیه دوستانش فامیل خود را در قطعی از زندگی‌اش به «زوله» تغییر داد اما چون این لقب جدید چندان ملموس نبود، همچنان او را با شهرت اولیه‌اش می‌شناختند و نام می‌بردند. آن دورانی که اصغر بیچاره از نظر جسمانی سلامت و روبه‌راه بود، در اغلب مراسم و برنامه‌های هنری با بره‌ا ر رسمی و تروتیمز و کلاه‌به‌سر حاضر می‌شد و آن جلو می‌نشست. این چندسال اخیر جایش در چنین محافلی خالی بود و حالا که دیگر کاملاً خالی است، دیگر باید یاد و خاطره یک مرد تنها و متبسم را که به سینما و هنر عشق می‌ورزد در ذهنمان مرور کنیم.

خبر سازان

تهیه‌کننده «من ناصر حجازی هستم» باقرار وثیقه آزادشد

● شرق: ماجرای احضار تهیه‌کننده به دادگاه برای چرای پخش تیزرها از شبکه‌های ماهواره‌ای ادامه دارد و در تازه‌ترین خبرها، امیر رفیعی، تهیه‌کننده فیلم «من ناصر حجازی هستم»، به دلیل پخش تیزر فیلمش از شبکه‌های ماهواره‌ای به بازداشت محکوم شد. در پی احضار او به دادگاه، قرار بازداشت موقت برای او صادر شده و با مساعدت دادسرا قرار بازداشت او به قرار ضمانت تبدیل شده است.او در گفت و گو با ایسنا با تاکید بر اینکه به صلاحدید بازپرس پرونده حق مصاحبه ندارد، گفت: «ریوز شکایت صدا و سیما از پخش آگهی این فیلم در شبکه جم به دادسرای فرهنگ و رسانه احضار شدم که قرار شد باگذشت وثیقه آزادشوم.»

شرق: شبکه ماهواره‌ای ولایت که از سال ۸۹ فعالیت خود را آغاز کرده است، بعد از پنج سال فعالیت ۲۲ خرداد اساسنامه‌اش از سوی شورای‌عالی انقلاب فرهنگی ایران تصویب و رئیس جمهور نیز آن را تأیید کرد. هرچند از عمر این شبکه چند سالی می‌گذرد اما تأسیس یک شبکه یا تلویزیون خصوصی در داخل ایران از سال‌های گذشته مورد بحث کارشناسان و قانون‌گذاران بوده است.

اولین تلویزیونی که در ایران آغازبه‌کار کرد، خصوصی بود اما بعدها رادیو و تلویزیون دولتی و «سازمان رادیو و تلویزیون ملی» تأسیس شد. کارکنان این سازمان در اعتصاب‌های دوره انقلاب نقش پررنگی داشتند و بسیاری از برنامه‌های انقلاب را کارکنان اعتصاب‌کننده پوشش دادند. پس از انقلاب، در اصل ۱۷۵ قانون اساسی مصوب آبان ۵۸ آمده بود: «در رسانه‌های گروهی (رادیو و تلویزیون) آزادی انتشارات و تبلیغات طبق موازین اسلامی باید تأمین شود. این رسانه‌ها زیر نظر مشترک قوای سه‌گانه قضائیه (شورای‌عالی قضائی)، مقننه و مجریه اداره خواهد شد. ترتیب آن را قانون، معین می‌کند». در بازنگری قانون اساسی در سال ۶۸، رسانه‌های شنیداری و دیداری از انحصار دولت بیرون آمد و در قانون اساسی آمد: «نصب‌وعزل رئیس سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است». بسیاری از کارشناسان می‌گویند که رسانه‌های صوتی و تصویری معادل سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران نیست و این سازمان یکی از این رسانه‌ها محسوب می‌شود؛ بنابراین نباید چنین استنباط کرد تمام این‌دست رسانه‌ها در انحصار دولت هستند. در حقیقت، شورای بازنگری قانون اساسی در سال ۶۸ شسمی با اصلاح اساسی اصل ۱۷۵، دست مجریان و دست‌اندرکاران رسانه‌ای کشور را باز گذاشتند تا در آینده و در صورت ضرورت، بتوانند با فراهم‌شدن بسترهای لازم و بنا به شرایط روز، مجوز تأسیس رادیو و تلویزیون خصوصی را در ایران صادر کنند. از نظر حقوقی که مستند به اصول قانون اساسی است، می‌توان گفت امکان راه‌اندازی رادیو و تلویزیون خصوصی در ایران از لحاظ قانونی و حقوقی وجود دارد زیرا آنچه در اصل ۱۷۵ قانون اساسی آمده، مربوط به سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران به عنوان سازمانی خاص است و براساس این اصل، تنها این سازمان باید الزاما در انحصار دولت باشد اما این، به آن مفهوم نیست که هر رسانه صوتی و تصویری باید در انحصار دولت باشد؛ البته همچنان موانع قانونی دراین‌باره وجود دارد و یکی از پررنگ‌ترین آنها، تفسیر شورای نگهبان در تاریخ هفتم دی سال ۷۰ است که نظر تفسیری خود را درباره اصول ۱۷۵

و ۴۴ قانون اساسی در بحث خصوصی‌سازی صداوسیما، صراحتا بیان کرد و مخالفت خود را درزمینه خصوصی‌سازی رادیو و تلویزیون اعلام داشت. یکی دیگر از این موانع، اساسنامه سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران است؛ در ماده هفت اساسنامه این سازمان که در سال ۶۱ تصویب‌شده، آمده که تأسیس فرستنده و پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی در هر نقطه از کشور در انحصار این سازمان است و چنانچه اشخاص حقیقی یا حقوقی اقدام به تأسیس یا بهره‌برداری از چنین رسانه‌هایی کنند، از ادامه کار آنها جلوگیری به عمل می‌آید و تحت تعقیب قانونی قرار می‌گیرند.

درباره تلاش‌های بعدی برای تأسیس شبکه‌های تلویزیونی اینترنتی نیز صداوسیما جلوی فعالیت‌های این شبکه‌ها را گرفت. برخی از کارشناسان حقوقی بر این عقیده‌اند که راه‌اندازی رادیو و تلویزیون خصوصی، می‌تواند مانند بانک‌های خصوصی، به‌تدریج در کشور ایجاد شود. به نظر آنها، بانک‌های خصوصی درصورتی که اصول بانکداری اسلامی را در نظر داشته باشند، می‌توانند فعالیت کنند و بنابراین درزمینه تلویزیون خصوصی هم اگر نهادهای خصوصی بتوانند برنامه‌هایی منطبق با موازین اسلامی و مصالح کشور تولید کنند، می‌توانند فعال شوند. این در حالی است که ایران هم‌اکنون شبکه تلویزیونی خصوصی دارد. شبکه ماهواره خصوصی «ولایت» از قم برای دیگر کشورهای جهان برنامه پخش می‌کند. شبکه جهانی ولایت، یک شبکه مستقل تلویزیونی غیردولتی و غیرانتفاعی است که بنا به گفته سایت رسمی این شبکه، برای تثبیت و تحکیم بنیان‌های تئوریک و تقویت عملاتی امنیت نظری و پاسخ‌گویی به شبهات و سوالات و دفاع از اندیشه‌های متعالی اسلام ناب شیعی تأسیس شده و تلاش می‌کند «با ایجاد وحدت و همدلی هرچه‌بیشتر بین مسلمانان با محوریت

هنر

اساسنامه شبکه ماهواره‌ای ولایت تصویب شد

خصوصی‌سازی تلویزیون؛ نیاز یا ضرورت؟



اهل‌بیت(علیهم‌السلام) به‌دور از هرگونه تفرقه و اهانت به باورها و اعتقادات دیگر فرق اسلامی و همچنین دیگر ادیان الهی، فعالیت‌های خود را انجام‌ده‌ای که در تمام این سال‌ها از تأسیس مکارم‌شیرازی در ۱۳رجب ۱۴۳۱هجری‌قمری مطابق با پنجم تیر ۸۹تأسیس شده است. این شبکه از ماهواره‌های هاتبرد، نایل‌ست و گلکسی ۱۹ پخش می‌شود و آمریکای شمالی و جنوبی، اروپا، شمال آفریقا، آسیای میانه، کشورهای حاشیه خلیج فارس، جنوب و جنوب شرقی چین، هند، افغانستان و بخشی از کشورهای مشترک‌المنافع روسیه را پوشش می‌دهد. این شبکه یک تلویزیون اینترنتی نیز تأسیس کرده است.

به نظر می‌رسد که ایجاد شبکه‌های تلویزیونی خصوصی مانند شبکه جهانی ولایت، پاسخ به نیاز وجود چنین شبکه‌هایی در کشور محسوب می‌شود و سیاست‌گذاران رسانه‌ای کشور به‌تدریج باید در حوزه‌های دیگر نیز با درخواست مجوزهای تلویزیون‌ها و رادیوهای خصوصی موافقت و به‌این‌ترتیب، خود را با نیازهای روز هماهنگ کنند. ازسوی دیگر، از سالیان پیش تاکنون نهادهای دیگر نیز درخواست تأسیس تلویزیون خصوصی کرده‌اند؛ قوه قضائیه یکی از این نهادها بود که اعلام کرد بنا دارد یک تلویزیون مختص خود تأسیس کند.

در اطلاعاتیه‌ای که توسط سایت رسمی آیت‌الله مکارم منتشر شده، آمده است: «شبکه ولایت» برای ادامه فعالیت در حال و آینده نیاز به تصویب اساسنامه و ثبت حقوقی داشت و به‌همین‌منظور اساسنامه آن برای تصویب به شورای‌عالی انقلاب فرهنگی داده شد. این شبکه ولایت که از سال ۱۳۸۹ زیر نظر آقای مکارم تأسیس شده و اداره می‌شود، تقریباً در تمام مناطق جهان، به‌جز جنوب آفریقا و استرالیا، قابل دسترسی است و شمار مخاطبانش در مجموع به ۴۰ میلیون نفر می‌رسد. وب‌سایت رسمی آیت‌الله مکارم همچنین ذکر کرده است که با طی تشریفات قانونی هم‌اکنون

موزه‌ای که پرانکده شد

درگذشت اصغر بیچاره هم‌زمان با روز تولدش

آرشیوی صورت گرفت اما آن‌قدر تعلق شد و متمم و آیین‌نامه به میان آمد که این موضوع به‌کل فراموش شد. تاآنجاکه من می‌دانم، وقتی چهار، پنج‌سال قبل دخترش او را به آریما برد، بخشی از این آرشیو که در دستان اطرافیان امانت بود، به آریما فرستاده شد اما شاید بخش دیگری از این آثار و نگاتیوها در دست پسرش در ایران باقی مانده باشد.» زنده‌روح‌کرمانی درباره وضعیت این عکاس در سال‌های پایانی عمرش عنوان کرد: «تصور می‌کنم بخش عمده‌ای از هنرمندان هنرهای تجسمی ما به‌دنبال کارهای دنیوی نبوده‌اند و بیشتر به فکر شکل و فرم آثارشان هستند به همین دلیل وقتی به سنین بالاتر می‌رسند، مشکلاتی ازجمله روش گذران زندگی گریبانگیرشان می‌شود. در گذشته مخصوصا زمانی که اصغر بیچاره فعالیت می‌کرد، عکاسان معدودی کار می‌کردند ولی الان که تعداد عکاسان بیشتر از هزاران نفر است، عکاسان قدیمی‌تر دچار مشکلات بیشتری می‌شوند و اینها باعث می‌شود با مشکلاتی مواجه شوند.»

رئیس انجمن عکاسان ایران افزود: «اصغر بیچاره به‌دنبال مدرک درجه‌یک هنری نبود که اگر روزگاری بیمار شود بتواند از صندوق اعتباری هنر استفاده کند. اصغر بیچاره براساس اطلاعات دور و نزدیک از چندسال قبل مشکلات زیادی برای گذران زندگی داشت و مجبور شد بخشی از وسایل و آرشیوش را بفروشد. حتی جابه‌جایی‌های متعدد



شبکه «دارای شخصیت حقوقی مستقل» شده است.

وجود شبکه «ولایت»، بار دیگر توجه به لزوم داشتن تلویزیون خصوصی در ایران را پررنگ‌تر می‌کند. اینکه می‌توان از ظرفیت راه‌اندازی تلویزیون خصوصی مخاطب بیشتری را با خود همراه کرد.

امیدوار به تأسیس شبکه خصوصی

اسماعیل عقیقه، یکی از تهیه‌کنندگان نام‌آشنای تلویزیون در پاسخ به این پرسش که تا چه حد لزوم ایجاد شبکه‌های خصوصی در ایران احساس می‌شود، گفت: «با توجه به بحران مخاطب که تلویزیون ما به آن دچار است باید به دنبال راه‌های متفاوت برای جذب دوباره مخاطب باشیم. یکی از همین راه‌ها قطعاً تأسیس تلویزیون خصوصی است. می‌توان آیین‌نامه و اساسنامه‌ها درخصوص راه‌اندازی این شبکه‌ها را به‌گونه‌ای تدوین کرد که دغدغه‌ای را که در تمام این سال‌ها از تأسیس این شبکه‌ها جلوگیری کرده است، برطرف کند. راه‌اندازی شبکه «ولایت» اتفاق خوبی است که بتوان زمینه ایجاد شبکه‌های خصوصی در ایران را پیکری کرد و افرادی را که دراین‌زمینه توانایی دارند جذب کرد.»

او ادامه داد: «به زعم من راه‌اندازی شبکه نمایش خانگی را می‌توان در اندازه کوچکی تلویزیون خصوصی دانست چراکه مردم برای اثر تولیدشده هزینه می‌کنند؛ در نتیجه با تجربه نسبتاً موفق شبکه نمایش خانگی در ایران می‌توان به تأسیس شبکه خصوصی هم امیدوار بود. ازطرف‌دیگر راه‌اندازی شبکه خصوصی به چاپک‌سازی و جذب مخاطب بیشتر خواهد انجامید و باعث رونق و تحرک و ارتقای اقتصادی نیز خواهد شد و قطعاً امکان انجام تجربیات متفاوت خواهد بود و امیدوارم در آینده این امر مهم اتفاق بیفتد.»

فتح باب راه‌اندازی تلویزیونی خصوصی

مجید حسینی‌زاد، کارشناس رسانه و جامعه‌شناس نیز درباره لزوم راه‌اندازی شبکه خصوصی در ایران گفت: «تا پیش از این نیز برخی از نهادهای دولتی اقدام به راه‌اندازی شبکه خصوصی کرده‌اند اما اتفاق نیفتاد. اما راه‌اندازی شبکه «ولایت» اتفاق مبارکی است و می‌تواند فتح باب خوبی برای پیکری راه‌اندازی شبکه تلویزیونی خصوصی در ایران باشد. تلویزیون ما مدت‌ها است که دچار تکرار شده و شاید خیلی با مخاطب سر و کار ندارد اما زمانی که بحث راه‌اندازی شبکه خصوصی به میان می‌آید همه‌چیز فرق می‌کند و مخاطب تعریف دقیق‌تری پیدا می‌کند و باید به نیاز مخاطبش جواب بدهد و با مشارکت افراد متخصص دراین‌زمینه یوبایی بیشتری دراین‌زمینه تجربه کند.»

چهر روز

مراسم خاک‌سپاری حبیب محبیان برگزارشد



● شرق: مراسم خاک‌سپاری حبیب محبیان در روستای نیاسته رامسر برگزار شد. با آنکه در خبرها عنوان شده بود اطرافیان این خواننده در تلاش برای خاکسپاری پیکر او در تهران هستند اما حبیب در روستای نیاسته آرام گرفت.

به گزارش «شرق»، حبیب محبیان، خواننده و آهنگ‌ساز، صبح جمعه، ۲۱ خرداد در روستای نیاسته رامسر و بر اثر ایست قلبی از دنیا رفت. مراسم تشییع و خاکسپاری «مرد ته‌های شب» در آرامستان نیاسته با حضور قریب به ۱۰هزار نفر از علاقه‌مندان مرحوم حبیب محبیان برگزار شد. باوجود اطلاع‌رسانی ضعیف از مکان و زمان دقیق مراسم خاکسپاری، هزاران نفر از استان‌های مازندران، گیلان، قزوین، تهران، البرز، آذربایجان و سایر استان‌ها خود را برای وداع با حبیب به روستای نیاسته رامسر رسانده بودند. این مراسم که کاملاً خودجوش و مردمی برگزار شد، با هم‌خوانی ترانه‌هایی از زنده‌یاد حبیب محبیان همراه بود. اجرای ترانه‌های خاطره‌انگیز «من مرد ته‌های شیم»، «مادر» و آخرین ترانه اجراشده حبیب به نام «دنیا» بخشی از آثاری بود که جمعیت حاضر خواندند. در این مراسم مراتب تسلیت خانه موسیقی و مدیرعامل آن، حمیدرضا نوربخش، از سوی عزیز قاسم‌زاده به برادر زنده‌یاد حبیب محبیان ابلاغ شد.همچنین قرار بود پیام تسلیت خانه موسیقی بر سر مزار حبیب محبیان برای دوستان‌دارن و علاقه‌مندانش ابلاغ شود که با ممانعت هیات امنای مسجد این پیام قرائت نشد. به گزارش ایلنا، مراسم خاکسپاری حبیب محبیان از ساعت ۱۵:۳۰ آغاز شد و هزاران نفر، مقابل خانه این هنرمند جمع کرده بودند که تعداد آنها تا کناره‌های جاده رسیده بود و اداره راهنمایی و رانندگی جاده‌های منتهی به محل زندگی حبیب محبیان را مسدود کرد. در جریان این مراسم، پیکر مرحوم حبیب محبیان در منزل او و با گفتن ذکر «یا حسین» و «لا اله الا الله» دور خانه گردانده شد.همچنین احمدرضا، پسر بزرگ حبیب، درباره دلیل دفن حبیب در رامسر به «موسیقی ما» گفت: «انتقال و دفن پیکر پدرم در تهران کار سختی بود. درباره دلایل اصلی نمی‌توانم فعلاً چیزی بگویم. پزشکی‌قانونی مرگ پدرم را طبیعی اعلام کرده و در این مورد هم طی دوماه آینده اظهارنظر دقیق‌تری خواهیم کرد.»همسر حبیب نیز در پاسخ به سوالاتی درخصوص حضور فرزندش، «محمد»، در ایران به این سایت گفت: «محمد» برای مراسم هفتم به تهران می‌آید.»

برده نقره‌ای

آرامستان» در خانه هنرمندان

● شرق: مستند «آرامستان» سه‌شنبه ۲۵ خرداد ساعت ۱۸ در تالار «شهناز» خانه هنرمندان به نمایش درمی‌آید. مستند «آرامستان» درباره تاریخچه گورستان این‌بابویه، شخصیت‌های تأثیرگذار مدفون در این محل مانند جهان‌پهلوان تختی، میرزاده عشقی، نسیم شمال، عباس یبینی‌شریف، دهخدا و تحولاتی است که از آغاز تاکنون در این مکان صورت گرفته. این‌بابویه دومین قبرستان عمومی تهران از زمان قاجار تا امروز بوده است. در این گورستان بزرگان بسیاری مدفون هستند که متأسفانه به‌دلیل نداشتن سنگ، نام و نشانی ندارند. بقعه ابوجعفر معروف و ملقب به شیخ صدوق این‌بابویه در آرامگاهی به همین نام در گورستان این‌بابویه است؛ قدمت آرامگاه این عالم شهر سده چهارم هجری به دوره قاجار و به زمان فتحعلی شاه می‌رسد. عوامل تولید مستند «آرامستان» عبارت‌اند از: نویسنده، کارگردان و تدوینگر: شهرام میراب‌اقدم/ تصویربرداران: فرداد فرپاک، سالار آذریان/ صدابردار: عماد غفوری/ تحقیق و پژوهش: بهارک جنت‌مکان/ مدیر تولید: محمد عبدی‌زاده/ عکاس: شاهین عبدی‌زاده/ حمل‌ونقل: حسن دولتی، مرتضی محمدخانی/ تهیه‌کننده: شهرام میراب‌اقدم/ تهیه شده در مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی.

تماشای این فیلم برای عموم علاقه‌مندان آزاد است.